

دبیر پویش ایران همدل درگفت‌وگو با «فرهیختگان» جزئیات یک حماسه ملی را توضیح می‌دهد

کمک‌هایتان چطور به غزه ولبنان می‌رسد؟



زینب مزقوی
خبرنگار گروه نقد روز

تحلیل‌گران منطقه معتقدند که جمعه نصر، سر آغاز تحولات بسیاری در منطقه بود. پس از پیام تاریخی رهبر معظم انقلاب اسلامی در ۷ مهرماه، دقیقاً یک هفته پیش از جمعه نصر، مردم ایران منتظر بودند تا به دستور ولی امر مسلمین، کمک‌های خود را به سمت جبهه مقاومت گسیل کنند. دبیر پویش ملی «ایران همدل» می‌گوید در نماز جمعه نصر، وقتی که در مصلی تهران صندوق‌های جمع‌آوری پول قرار داده شده بود، در میان اسکناس‌های واریز شده، تکه‌های طلا هم پیدا شده بود. همین ماجرا در جمعه نصر، آغازگر پویش ایران همدل برای جمع‌آوری طلا و زیورآلات قیمتی بانوان شد.
سوریه هم پویش ایران همدل تقریباً چند ماه بعد از شروع بیماری کرونا آغاز شد. رهبر معظم انقلاب در فروردین ماه سال ۹۹ بیان کرده بود که باید کمک‌های مومانه، همدلی و مواسات در جامعه گسترش پیدا کند و مردم باید به یکدیگر کمک کنند تا لطمه جدی که کرونا به زندگی و کسب‌وکارهای مردم زده است، با کمک‌های جمعی جبران شود. مبنای این پویش این بود که از طریق رسانه، پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر رهبر انقلاب فراخوانی برای کمک داده شود و یک شماره کارت اعلام شد؛ همچنین کد دستوری ستاره، ۱۴۱، مربع برای واریز کمک‌های مردم به این حساب معرفی شد. در نهایت، کمک‌های جمع‌آوری شده در اختیار کمیته امداد و بهزیستی قرار گرفت تا برای رسیدگی به امور مردمی که زندگی و کسب‌وکارشان در اثر بیماری کرونا آسیب دیده بود، استفاده شود. تا سال ۱۴۰۱، سه مرحله پویش ایران همدل برگزار شد. پس از پیام رهبر معظم انقلاب و تأکید ایشان تحت این عنوان که «بر همه مسلمانان فرض است که با امکانات خود در کنار مردم لبنان و حزب‌الله سرفراز بایستند»، مرحله چهارم پویش ایران همدل آغاز شد و اولین مرحله از این پویش برای کمک به جبهه مقاومت جمع‌آوری شد. پویش ایران همدل، اولین ورود دفتر حفظ و نشر آثار رهبر انقلاب به حوزه فعالیت‌های اجتماعی به معنای جمع‌آوری کمک بود که در همان روزهای ابتدایی شیوع کرونا آغاز شد. متن زیر گفت‌وگوی تفصیلی «فرهیختگان» با ایمان عطارزاده، دبیر پویش ایران همدل است.

پویش‌های بسیاری در قالب کمک‌های مومانه و همدلانه در داخل کشور برگزار شده است. چه ویژگی‌هایی پویش ایران همدل را از سایر پویش‌ها متفاوت می‌کند؟

پویش ایران همدل ویژگی‌هایی دارد که آن را به بزرگ‌ترین پویش کمک‌های مردمی در طول تاریخ انقلاب اسلامی تبدیل کرده است. اولین ویژگی این است که تعداد مشارکت‌کنندگان و حجم افرادی که در این پویش مشارکت کرده‌اند، با هیچ پویش مشابهی قابل مقایسه نیست. دومین ویژگی این است که تنوع جنس کمک‌ها محدود به شماره حساب یا اهدای طلا نبوده است. برای مثال، ما کمک‌هایی از اهدای فلک‌های دانش‌آموزان، زمین‌های کشاورزی، محصولات کشاورزی، خودرو، موتورسیکلت، تراکتور، دوچرخه و حتی پخت نان در روستاهای اصفهان دریافت کردیم. خانم‌ها در روستاهای اصفهان نان زیادی پختند و آن را به جبهه مقاومت فرستادند. همچنین کمک‌هایی مانند بافت شال گردن، کلاه، جوراب و… به پویش ایران همدل ارسال شد. یکی دیگر از کمک‌ها مربوط به یک مغازه‌دار بود که سود فروش مغازه‌اش را برای کمک به پویش ایران همدل اختصاص داد، یا افرادی که خودروهای خود را فروختند و پول آن را به حساب پویش واریز کردند، حتی دانش‌آموزان در بازارچه‌های خیریه‌ای که در مدارس برگزار می‌شد، اجناسی را که می‌توانستند تهیه کنند، به فروش می‌رساندند و در آمد حاصل را به حساب ایران همدل واریز می‌کردند.

ویژگی برجسته پویش ایران همدل این بود که لایه‌های مختلف اجتماعی جامعه را درگیر کرد. برای مثال، اهدای طلا یکی از ویژگی‌های متمایز این پویش است. واقعیت این است که در روز اول طراحی پویش، محوریت جمع‌آوری کمک‌ها بر اساس شماره حساب، کد دستوری و شماره کارت بود. اما در اولین روز پویش، که با برگزاری نماز جمعه حضرت‌آقا در فصلی تهران همزمان شد، متوجه شدیم حجم زیادی طلا توسط مردم به صندوق‌های جمع‌آوری کمک ریخته شده است. این امر باعث شد اولین جرقه‌ها در ذهن دست‌اندرکاران پویش زده شود که باید سازوکاری برای جمع‌آوری طلا پیش‌بینی کنیم. به‌سرعت، با همکاری دوستانمان در جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی و بنیاد خاتم‌الانبیا، سامانه‌ای طراحی کردیم. مردم می‌توانستند با ارسال عدد ۲ یا شماره ۳۲۲، تمایل خود را برای اهدای طلا اعلام کنند. سپس از طریق مرکز تماس که برای این کار پیش‌بینی شده بود، با افراد تماس گرفته می‌شد و آدرس آن‌ها که در اقصدی نقاط کشور بودند، دریافت می‌شد. این کار با همکاری یک ستاد چابک و جهادی که هیچ سازوکار دولتی و حکومتی نداشت، انجام شد. جمع‌آوری طلا در سراسر کشور صورت می‌گرفت و پس از جمع‌شدن استان‌ها، طلاها به تهران منتقل می‌شدند و پس از ارزیابی، به فروش می‌رسیدند و پول آن‌ها به مردم لبنان و فلسطین اختصاص می‌یافت. لذا پویش ایران همدل تنوع زیادی در نوع کمک‌ها داشت؛ از زن و شوهری که فلافل درست می‌کردند و در مسجد می‌فروختند تا دانش‌آموزانی که پس‌اقابو خود را به پویش ایران همدل اهدا کردند. ما محجم قابل توجهی از انگشترها را داریم و ویژگی این انگشترها این است که مشخص است که آن‌ها این انگشترها را از دستشان خارج کرده‌در در صندوق‌های جمع‌آوری انداخته‌اند. یعنی این اقلام، چیزهایی هستند که مردم از داشته‌های خود داده‌اند. بسیاری از این اقلام، بسیار قیمتی و گران‌بها هستند. ما از طلاهای عتیقه تا یادگاری‌های مادر بزرگ‌ها در این پویش ایران همدل داریم. همچنین فلک‌های دانش‌آموزان و حتی دانش‌آموزانی که به ازای حفظ سوره‌ای از قرآن، هدیه‌ای از مادرشان دریافت کرده بودند و پول آن را در فلک ریختند و آن فلک را برای کمک به لبنان و فلسطین اهدا کردند. همچنین حلقه‌های ازدواج خانم‌ها، که حجم قابل توجهی از آن‌ها در این پویش وجود دارد. حلقه‌های ازدواج، ارزشمندترین یادگاری‌هایی هستند که یک زن و شوهر می‌توانند از آن‌ها داشته باشند.

در پویش ایران همدل، همانند دیگر عرصه‌ها، خانواده‌های شهیدای پیشگام و پیشتا بودند. خانواده‌های شهیدان در طول تاریخ انقلاب، همیشه برچمگذار کمک‌های مردمی بوده‌اند و هر عزیزترین یادگاری‌های شهیدان در این پویش اهدا شده است. یکی از این یادگاری‌ها، هدیه‌ای است که عبدالملک الحوئی، رئیس حوئی‌های یمن به شهید رئیسی داده بود و ایشان این نگین اصل یمنی را به همسرشان هدیه دادند. همسر شهید رئیسی این دستبند

طلایی که نگین عقیق یمنی داشت را به پویش ایران همدل اهدا کردند. همچنین مادر شهید محمدحسین حدادیان، شهید وحید زمانی‌نیا که همراه شهید سلیمانی بودند و بسیاری از شهدای دیگر که شاید در نگاه عمومی شهیدان شاخصی نباشند، اما در دوران خودشان عزیزترین و بهترین انسان‌ها بودند، یادگاری‌هایشان را از طرف خانواده‌هایشان به ایران همدل اهدا کردند. خیلی از همسران شهدای دفاع مقدس نیز هدایای شوهراشان در زمان عقد را برای کمک به ایران همدل دادند. به‌نظرم یکی از دلایل موفقیت و برکت پویش ایران همدل، این بود که خانواده‌های شهیداو بچه‌های مظلوم و معصوم دانش‌آموزان به این پویش پیوستند و با اخلاص وارد این فضا شدند. خداوند برکت زیادی به این حرکت داد. یک رویداد خودجوش در ایران همدل با محوریت خانواده‌های شهیدان برگزار شد که بسیار تأثیرگذار بود. ما بعدها متوجه شدیم که به‌نام «بیوت المقاومة»، هر خانواده‌شهیدی به‌عنوان بانای جمع‌آوری کمک در خانه خود این کار را انجام می‌داد. آن‌ها اقوام، دوستان و همسایه‌ها را دعوت می‌کردند و مراسمی مثل زیارت عاشورا برگزار می‌کردند و در آن مراسم کمک‌های مردم به جمع‌آوری طلا اختصاص می‌یافت. از خانواده شهید رئیسی تا خانواده شهید پاکری، شهید همدانی و بسیاری از شهدای شاخص، این رویدادها را در خانه‌هایشان برگزار کردند. شهید دقایقی و بسیاری از خانواده‌های شهدای دیگر.

نمونه‌هایی از جالب‌ترین ماجراها در این پویش را می‌گویند؟

اتفاقاتی که در پویش ایران همدل رخ داد، واقعاً عجیب و غریب بود. برای مثال، اهدای مدال‌های طلای قهرمانان ورزشی که در این پویش مشارکت داشتند؛ یک خانم قهرمان المپیک در شهرستان بروجن استان چهارمحال و بختیاری مدال المپیک خود را به ایران همدل اهدا کرد. این بخشی از مجاهدت و ایثار مردم بود. در پویش ایران همدل، ما اعدا می‌کنیم که این بزرگ‌ترین پویش جمع‌آوری کمک‌های مردمی در طول تاریخ انقلاب اسلامی است، زیرا هیچ‌وقت در هیچ رویدادی اینقدر گستردگی در اقصی نقاط کشور نداشته‌ایم. در هر نقطه‌ای از کشور که می‌رفتید، مردم برای کمک به جبهه مقاومت و یاری مردم مظلوم لبنان و فلسطین، هر چه در توان داشتند به این پویش آوردند. این فراتر از شعار بوده و چیزی است که مردم در میدان مشاهده کردند. اتفاقات بزرگی شکل گرفت که برخی از مصداق‌های آن‌ها در یادها می‌ماند. این نشان‌دهنده فضای ارزشمندی است که در کشور و به تبع آن در سطح جهانی به وجود آمده است. مثلاً یکی از دوستان پیشنهاد داد تا در پارک‌شهر، فراخوان جمع‌آوری طلا منتشر کنیم. ما اصلاً انتظار نداشتیم که در آن نقطه از شهر، مردم برای کمک مراجعه کنند، اما در کمال تعجب، در عرض ۲ ساعت نیم‌کیلو طلا جمع‌آوری کردیم.

در فرایند جمع‌آوری کمک‌ها، بیش از هر چیزی به چه نکاتی توجه می‌شود و رهبر انقلاب در این پویش به چه نکاتی تأکید داشتند؟

در فرایند جمع‌آوری کمک‌ها، یکی از اهداف ما این بود که کمک‌های مردم به دقت جمع‌آوری شوند و حضرت‌آقا توصیه فرموده بودند که این کمک‌ها به سرعت منتقل شوند. بنابراین، به محض اینکه به یک عدد قابل توجهی می‌رسیدیم و می‌توانستیم کمک‌ها را منتقل کنیم، به دلیل نیاز ویژه‌ای که در میدان وجود داشت، یعنی در مناطق مختلف مانند غزه و لبنان، این کمک‌ها به سرعت منتقل می‌شد. تا قبل از اتفاقات سوریه، بسیاری از کمک‌ها می‌توانستند از طریق مسیرهای زمینی ارسال شوند، از عراق و سوریه. البته رژیم‌صهیونیستی بخشی از جاده‌های مواصلاتی بین سوریه و لبنان را بمباران کرده بود، اما با تمام سختی‌ها، بخشی از کمک‌ها به صورت زمینی به مقصد می‌رسید. بخش زیادی از کمک‌ها به صورت نقدی به منطقه ارسال می‌شد. با توجه به پیچیدگی‌ها و سختی‌ها، آسان‌ترین نیاز در این منطقه پول بود؛ زیرا کمک‌های مردم باید به پول تبدیل می‌شد و در آنجا هزینه خریداری انجام می‌شد. اگرچه شرایط جنگ باعث افزایش شدید قیمت کالاها شده بود، اما امکان تأمین کالاها ای مورد نیاز مردم وجود داشت. اتفاقی که در پویش ایران همدل به‌منظور جمع‌آوری کمک‌ها برای لبنان و فلسطین افتاد، این بود که از همان اولین روزهای ارسال کمک‌ها آغاز شد. زمانی که آوارگان و مردم جنگ‌زده لبنان در اردوگاه‌ها و مراکز جمعی حضور داشتند، بسیاری از این افراد در مراکز موقت مانند مدارس، کلیساها و منازل مردم لبنان مستقر بودند. البته بخشی از این افراد در منازل مردم سوری و مسیحی نشین اقامت داشتند که روحیه مردم لبنان در این شرایط بسیار ستودنی بود.

کمک‌رسانی‌ها به مردم جنگ‌زده لبنان به چه صورت بود؟
مدل کمک‌رسانی در اردوگاه‌ها به این صورت بود که علاوه بر تأمین غذای گرم، بسته‌های کمک معیشتی، لباس و وسایل گرمایشی در اختیار مردم قرار می‌گرفت. یکی از نیازهای مهم و کمتر دیده شده، تأسیسات مانند سرویس‌های بهداشتی و حمام بود. کمتری که جمعیتی ۵۰۰ نفره، ۱۰۰ نفره یا ۲۰۰ نفره مستقر می‌شوند، به غیر از غذا، لباس گرم و وسایل گرمایشی، نیاز به سرویس‌های بهداشتی و حمام نیز دارند. اولین کمک‌های ما در همین حوزه بود که شامل بسته‌های معیشتی و اقدامات زیرساختی می‌شد و این کار تحت هدایت حزب‌الله لبنان انجام می‌شد. حزب‌الله به دلیل آگاهی و تجربه چنددهه‌ای از نیازهای مردم لبنان، به سرعت نیازها را شناسایی می‌کرد و مطابق با آن‌ها، خدمات‌رسانی انجام می‌شد. بعد از آتش‌بس، نوع امدادرسانی تغییر کرد.

همچنین بسته‌های معیشتی که یکی از بخش‌های اصلی کمک‌ها بود، به سرعت از کمک‌های مردم ایران در اختیار آوارگان لبنانی قرار گرفت. نکته مهم این است که حدود یک میلیون و ۲۰۰ هزار نفر از مردم جنوب لبنان به دلیل بمباران رژیم‌صهیونیستی خانه‌هایشان را از دست داده و این افراد نیازهای مختلفی داشتند. از دارو و درمان برای بیماران سرطانی و صعب‌العلاج تا بیمارانی که نیاز به داروهای ویژه مثل انسولین داشتند. تا‌زان باردار و دیگر نیازهای ضروری. در شرایطی که این افراد آواره شده بودند، باید به تمامی اینها کمک‌رسانی می‌شد.

پس از آتش‌بس، کمک‌رسانی‌ها چه تغییری کرد؟

پیش از آتش‌بس، آوارگان در مراکز اقامتی مانند مدارس، مساجد، حسینیه‌ها و کلیساها مستقر بودند، اما بعد از آتش‌بس، مردم به سمت محل زندگی خود در مناطق مختلف به‌ویژه در جنوب لبنان بازگشتند؛ هرچند حجم

زیادی از خانه‌ها بمباران شده و بسیاری از واحدهای مسکونی دچار آسیب شدید شده بودند، اما بخش زیادی از مردم در خانه‌های اقوام یا خانه‌هایی که می‌توانستند اجاره کنند، مستقر شدند. این تغییر در مکان‌های استقرار آوارگان باعث تغییر در نوع امدادرسانی شد. علاوه بر این، حدود ۱۳۰ تا ۱۵۰ هزار نفر از آوارگان لبنانی به سوریه پناه برده بودند. در آن زمان، دولت سوریه تدبیری اتخاذ کرده بود و هتل‌ها را با قیمت‌های بسیار پایین در اختیار این آوارگان قرار می‌داد. امدادرسانی به این آوارگان در هتل‌ها توسط گروه‌های مردمی انجام می‌شد که خود این فعالیت‌ها، فصلی ویژه در پویش ایران همدل بود. در فرایند کمک‌رسانی، تدبیر حضرت‌آقا مبنی‌بر اینکه کمک‌ها باید به سرعت منتقل شوند، همچنان ادامه دارد. در این بین، چون ما متکی به توان مردم هستیم، الحمدلله با مشکلی مواجه نشدیم. البته در کنار مردم فلسطین نیز کمک‌های لازم انجام شده است، اما شرایط فلسطین به شدت متفاوت است. محاصره کامل رژیم‌صهیونیستی اجازه نمی‌دهد کمک‌ها به‌طور کامل به آنجا برسند. این مسئله پیچیدگی و سختی بسیار زیادی دارد. از ابتدای پویش ایران همدل، ما به مردم مظلوم فلسطین کمک رسانده‌ایم؛ چراکه آزمان قدس همیشه جزو اهداف اصلی شهدای مقاومت بوده است. کمک‌رسانی به غزه باید از دید عمومی متفاوت دیده‌شود؛ چراکه در برخی مناطق، رژیم‌صهیونیستی تلاش می‌کند با محدود کردن ارسال کمک‌ها، همان پروژه نسل‌کشی و زجر مردم را ادامه دهد.

کمک‌ها از چه راهی و به وسیله چه افرادی به دست مردم لبنان می‌رسید؟

در پویش ایران همدل، سیاست ما این بود که کمک‌های مردم ایران را از طریق گروه‌های مردمی فعال به مردم لبنان و فلسطین برسانیم. تلاش کردیم این سیاست را به‌جری که در ایران همدل طراحی شده بود را با حمایت از گروه‌های مردمی در میدان به مرحله اجرا در آوریم. اولین روزی که حضرت‌آقا پیام خود را صادر کردند، کمتر از شش یا هفت ساعت بعد گروه‌های جهادی ایرانی به لبنان رفتند. این گروه‌ها درحالی‌که تحت بمباران قرار داشتند، کنار مردم لبنان ایستادند. در این ۱۰۰ روز که از آن اتفاقات می‌گذرد، از شهادت سیدحسن نصرالله و دیگر شهدای مقاومت، همچنان گروه‌های جهادی ایرانی در لبنان حضور دارند و به‌طور گمنام و مخلصانه در کنار مردم لبنان مشغول کمک‌رسانی‌اند. در صحنه فعلی که آوارگان سوری نیز به معادلات لبنان افزوده شده‌اند، این بچه‌های جهادی ایرانی هستند که در سرمای شدید مناطق شمالی لبنان به مردم سوری کمک می‌کنند. بسیاری از این بچه‌ها گمنامند و کمتر دیده می‌شوند، اما از روزهای اول در میدان حضور داشتند و هرچه در توان داشتند، گذارشتند. کاردستی‌های جمع‌آوری‌شده، تأمین شیر خشک، ایجاد سرویس‌های بهداشتی و حمام، تا تأمین زیرساخت‌های ضروری و حتی برنامه‌های فرهنگی و سرگرمی برای بچه‌ها، همه این‌ها از تلاش‌های گروه‌های جهادی بود. گرچه تعداد این گروه‌ها زیاد نیست، اما حدود ۲۰۰ نفر از فعالان جهادی در لبنان حضور دارند و بار زیادی از کمک‌ها را بر دوش می‌کشند. امروز مردم لبنان نماد خدمت‌رسانی مردم ایران را در این گروه‌های جهادی می‌بینند. این بچه‌ها شیشه‌های حاصل از بمباران را جمع‌آوری کرده و زیر پای مردم جراو می‌کنند، غذا می‌پزند و توزیع می‌کنند، لباس گرم می‌دهند، کپسول‌های گاز را زیر می‌کنند، با بچه‌ها بازی می‌کنند و مسایل بازی و کتابخانه فراهم می‌کنند. واقعاً مانند یک برادر بزرگ‌تر یا یک پدر در کنار مردم لبنان ایستاده‌اند. این بزرگ‌ترین دستاورد پویش ایران همدل است. من معتقدم این بزرگ‌ترین تجربه بین‌المللی حضور گروه‌های جهادی ایرانی در لبنان است و این را به‌عنوان یک افتخار برای مردم ایران و بچه‌های جهادی می‌دانم که در این آزمون به‌خوبی سربلند بیرون آمده‌اند و نشان دادند در هر کجا که مظلومی فریاد کمک بزند، این بچه‌های ایرانی هستند که مخلصانه پای ای کار می‌نهند.

پس از تحولات اخیر سوریه، جمعیت قابل توجهی از مردم سوریه به سمت مرزهای لبنان رفتند. به آوارگان سوری نیز در این مدت کمک شده است؟

بعد از تحولات اخیر در سوریه، بخشی از مردم که عمدتاً شیعیان بودند، به دلیل ترس از رفتارهای تروریستی داعش و گروه‌های مشابه، از خانه و کاشانه خود فرار کرده و به سمت مرز لبنان آمدند. حدود ۴۰ هزار نفر از آوارگان شیعه سوری به منطقه «هرمل» در استان بعلبک واقع در شمال لبنان که مجتمع تجاری آمده بود و گفته بود که اگر کالاها را خریداری نکنند، سود و تخفیف آن را به ایران همدل می‌دهیم. از این مدل‌ها خیلی زیاد داشتیم تا بازارچه‌های خیریه‌ای که در مدارس برگزار می‌شد. یکی از جاهایی که در ایران همدل از لحاظ رسانه‌ای کار ارزشمندی انجام شد، بازارچه‌های خیریه بود. مدل این بازارچه‌ها این‌طور بود که یک پایگاه مقاومت، یک هیئت یا یک سرای محله زنان احساس می‌کردند که باید کمک کنند. حالا آن‌هایی که طلا داشتند، طلاها اهدا کرده بودند و آن‌هایی که طلا نداشتند یا وسیع مالی نداشتند، با پختن غذاهایی مثل سالاد الویه یا کوکو، یا با چیزهایی که در توانشان بود، کمک می‌کردند. همچنین، صنایعی که می‌توانستند تولید کنند، در محله‌شان بازارچه خیریه می‌زدند. فکر می‌کنم یکی از اصلی‌ترین کارهایی که در ایران همدل انجام شد، همین کار رسانه‌ای بود که صورت گرفت. حضرت‌آقا به ما توصیه فرموده بودند که در کنار رساندن کمک‌های مردم که باید به سرعت انجام می‌شد، کار رسانه‌ای قوی نیز انجام‌شود. من فکر می‌کنم که مادر کار رسانه‌ای نمره قابل قبولی در ایران همدل می‌گیریم، از حیث اینکه مردم متوجه شدند که پویشی وجود دارد و بعد از اینکه متوجه شدند، در آن مشارکت کردند. اگرچه به‌مراتب می‌شود کارهای بزرگ‌تری در حوزه رسانه انجام‌داد، اما از حیث کلی، به‌نظرم کار رسانه‌ای خوبی برای داخل کشور انجام شد. یکی از دغدغه‌های جدی ما در حوزه رسانه این بود که پیام مردم ایران به مردم لبنان و فلسطین برسد، که مردم ایران پای کار شما هستند. غیر از رساندن کمک‌ها و بسته‌ها و حضور گروه‌های جهادی، آن چیزی که افکار و جهت را می‌دهد، کار رسانه‌ای است. ما در لبنان کار رسانه‌ای خیلی خوبی انجام دادیم. استفاده از ظرفیت اینفلوئنسرها یکی از کارهایی بود که ما در ایران همدل انجام دادیم. چهره‌های شاخص فضای مجازی لبنان را پای کار آوردیم و آن‌ها را به محل‌هایی بردیم که کمک‌های ایران انجام می‌شد. این کار بازتاب‌های خوبی داشت. ما به‌کار مردم پارسانه‌شهریب دادیم و جامعه لبنان متوجه شدند که اپنار زنان ایرانی در اهدای تلاش‌هایشان واقعاً قابل توجه است. مردم لبنان متوجه شدند که مردم ایران با هرچه در توان دارند، پای کار آمده‌اند.

می‌دهند. با کمک‌های مردم ایران امیدواریم بتوانیم همچنان در این مسیر قدم برداریم و تارفع کامل نیازهای آوارگان، این کمک‌ها ادامه پیدا‌کند.

نکته قابل تأمل و قابل توجه این است که در این میان، چگونه گروه‌های جهادی مدیریت نشدند تا کمک‌رسانی‌ها هدفمند باشد؟

این اقتضای شرایط بحران است که نوعی به‌هم‌ریختگی ابتدا وجود دارد. وقتی سیلی، زلزله‌ای، بمبارانی یا چیزی مشابه اتفاق بیفتد، ما می‌گوییم که حالا شرایط، شرایط عادی است و باید متناسب با شرایط عادی تصمیم بگیریم. درست است که اسمش بحران است و شرایط هم بحرانی است، اما اینکه ما شرایط بحرانی را چگونه مدیریت کنیم و بتوانیم با انسجام و برنامه‌ریزی کار کنیم، این هنر دست‌اندرکارانی است که در حال امدادرسانی هستند. ویژگی کاری که در لبنان اتفاق افتاد، این بود که یک شناخت دقیق به‌واسطه اشراف حزب‌الله بر میدان وجود داشت. اگرچه در روزهای اول شاید موازی‌کاری‌ها انجام می‌شد و قطعاً همه این‌ها اقتضای شرایط جنگی است، اما به مرور هرچه پیش رفتیم، به‌واسطه اشراف داده و اطلاعاتی که وجود داشت، سازمان امداد حزب‌الله خودش می‌توانست آمار دقیقی از آوارگان، محل‌های آن‌ها، نیازها و تنوع نیازهایشان بدهد. لذا کمک‌رسانی‌ها تلاش می‌شد که با هرپیز از موازی‌کاری انجام شود و فکر می‌کنم که چون مبتنی بر داده و آمار بود، و این آمارها هم به‌واسطه اشراف حزب‌الله در طول دوران فعالیتش در منطقه به‌دست آمده بود، این کار انجام شد و دوباره‌کاری و موازی‌کاری و جزیره‌ای عمل کردن‌ها تا جایی که ممکن بود، به حداقل رسید. اما یادمان نرود که شرایط، شرایط عادی نیست. شرایط بمباران، شهادت فرماندهان اصلی حزب‌الله، تخریب خانه و کاشانه، منزل و بیمارستان‌ها و همه و همه را در جنوب لبنان شاهد بودیم. رژیم‌صهیونیستی هرچا را که احساس می‌کند می‌تواند فرایند کمک‌رسانی را مختل کند و مراکز اصلی را بمباران کرده بود. در غزه که نسل‌کشی در حال وقوع است رژیم‌صهیونیستی برای اینکه فلسطینی‌ها را از شمال غزه کاملاً کوچ دهد، از هر تجاوزی دریغ نمی‌کند. حتی آخرین جنایتی که انجام داد، بمباران بیمارستان کرم‌الوان بود. این نشان‌دهنده این است که رژیم‌صهیونیستی هیچ قید و بند و هیچ محدودیتی در وحشی‌گری خود ندارد. از این اتفاقات متاثر از میدان، می‌توان گفت که در لبنان این کار بسیار قابل قبول بود.

سؤال پایانی‌ام درباره اهمیت رسانه در این ماجراست. این ماجرای رسانه‌ای را با توجه به کمک‌رسانی‌ها و حجم کمک‌های مردم ایران چگونه پیش بردید؟

در پویش ایران همدل محوریت رسانه‌ای ما به‌عنوان رسانه رسمی، سایت KHAMENEI.IR دفتر حفظ و نشر آثار رهبر انقلاب بود. اما در کنار اینکه رسانه رسمی داشتیم، مردم باید یک بستر اعتمادی ایجاد می‌کردند تا اطمینان حاصل‌شود که کمک‌ها در جایی مطمئن جمع‌آوری می‌شود. اتفاق اصلی که در پویش ایران همدل افتاد، کمک‌رسانی مردمی بود. بسیاری از اتفاقات در حوزه اطلاع‌رسانی در شبکه‌های اجتماعی، گروه‌های خانوادگی و پیام‌رسان‌ها به‌صورت خودجوش صورت می‌گرفت. ما واقع، ما در کار رسانه‌ای به‌وضوح می‌بینیم که گاهی تبلیغات پویش اتفاق می‌افتاد که حقیقتاً ما سازوکاری برای آن پیش‌بینی نکرده بودیم. درست است که کانال‌های مختلفی در پیام‌رسان‌ها راه‌اندازی کرده بودیم، اما این خود مردم بودند که به‌صورت خودجوش اقدام به کار رسانه‌ای می‌کردند. این کار رسانه‌ای به معنای رساندن پیام بود، نه به معنای کار رسانه‌ای حرفه‌ای. ما کار حرفه‌ای خود را به‌عنوان یک کار رسانه‌ای پیش بردیم، اما در بسیاری از پویش‌ها مشابه این اتفاقات رخ می‌دهد. آن چیزی که ایران همدل و در رسانه‌ها متمایز می‌کند، این است که مردم خودشان رسانه هستند. مردم هستند که فکر می‌کنند باید پیام را به مخاطب برسانند؛ به برادرشان، به خواهرشان، به هم‌مسجدی‌شان، به دانش‌آموز مدرسه و به اقدار مختلفی که باید پیام را ببینند. فراتر از شعار، گروه‌های خانوادگی بسترهای انتشار پیام ایران همدل بودند. شهرها، اصناف و بسیاری از اتفاقاتی که شکل می‌گرفت، این را به‌صراحت خدمتشان می‌گویم که ما رویدادهایی را به اسم ایران همدل می‌دیدیم که به‌عنوان متولی نه‌برای آن‌ها برنامه‌ریزی کرده بودیم و نه حتی از آن‌ها خبر داشتیم که رویدادی در حال برگزار شدن است. مثلاً فروش یک مجتمع تجاری که سودش را به ایران همدل می‌داد. یکی از این رویدادها در محله پاسداران تهران رخ داده بود که من خود دیدم. یک مجتمع تجاری آمده بود و گفته بود که اگر کالاها را خریداری نکنید، سود و تخفیف آن را به ایران همدل می‌دهیم. از این مدل‌ها خیلی زیاد داشتیم تا بازارچه‌های خیریه‌ای که در مدارس برگزار می‌شد. یکی از جاهایی که در ایران همدل از لحاظ رسانه‌ای کار ارزشمندی انجام شد، بازارچه‌های خیریه بود. مدل این بازارچه‌ها این‌طور بود که یک پایگاه مقاومت، یک هیئت یا یک سرای محله زنان احساس می‌کردند که باید کمک کنند. حالا آن‌هایی که طلا داشتند، طلاها اهدا کرده بودند و آن‌هایی که طلا نداشتند یا وسیع مالی نداشتند، با پختن غذاهایی مثل سالاد الویه یا کوکو، یا با چیزهایی که در توانشان بود، کمک می‌کردند. همچنین، صنایعی که می‌توانستند تولید کنند، در محله‌شان بازارچه خیریه می‌زدند. فکر می‌کنم یکی از اصلی‌ترین کارهایی که در ایران همدل انجام شد، همین کار رسانه‌ای بود که صورت گرفت. حضرت‌آقا به ما توصیه فرموده بودند که در کنار رساندن کمک‌های مردم که باید به سرعت انجام می‌شد، کار رسانه‌ای قوی نیز انجام‌شود. من فکر می‌کنم که مادر کار رسانه‌ای نمره قابل قبولی در ایران همدل می‌گیریم، از حیث اینکه مردم متوجه شدند که پویشی وجود دارد و بعد از اینکه متوجه شدند، در آن مشارکت کردند. اگرچه به‌مراتب می‌شود کارهای بزرگ‌تری در حوزه رسانه انجام‌داد، اما از حیث کلی، به‌نظرم کار رسانه‌ای خوبی برای داخل کشور انجام شد. یکی از دغدغه‌های جدی ما در حوزه رسانه این بود که پیام مردم ایران به مردم لبنان و فلسطین برسد، که مردم ایران پای کار شما هستند. غیر از رساندن کمک‌ها و بسته‌ها و حضور گروه‌های جهادی، آن چیزی که افکار و جهت را می‌دهد، کار رسانه‌ای است. ما در لبنان کار رسانه‌ای خیلی خوبی انجام دادیم. استفاده از ظرفیت اینفلوئنسرها یکی از کارهایی بود که ما در ایران همدل انجام دادیم. چهره‌های شاخص فضای مجازی لبنان را پای کار آوردیم و آن‌ها را به محل‌هایی بردیم که کمک‌های ایران انجام می‌شد. این کار بازتاب‌های خوبی داشت. ما به‌کار مردم پارسانه‌شهریب دادیم و جامعه لبنان متوجه شدند که اپنار زنان ایرانی در اهدای تلاش‌هایشان واقعاً قابل توجه است. مردم لبنان متوجه شدند که مردم ایران با هرچه در توان دارند، پای کار آمده‌اند.

فرهیختگان

روز

روز

روز

روز

روز

روز

روز

روز

روز

روز

روز

روز

روز

روز